

### به احترام سفیدپوشانی که مطالباتشان جدی گرفته نمی‌شود!

ارزش و قیمت آدم‌ها در بزرگه‌ها و انتخاب‌هایشان روشن می‌شود. بعضی آدم‌ها اما همیشه انتخابشان متفاوت از دیگران است. نمونه‌اش پرستاران و سفیدپوشان عرصه سلامت که با انتخاب این شغل خود را در معرض خطر و استرسی همیشگی قرار داده‌اند و شغلشان بیشتر از آنکه یک شغل برای کسب در آمد باشد، یک عشق است.

عشق به همنوع و بیماران رنجوری که در تندباد بیماری و فرسودگی، شکننده و آسیب‌پذیر می‌شود، اما این قشر سفیدپوش هم سال‌هاست مطالباتی دارند که تاکنون محقق نشده‌است. قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری مصوب سال ۸۶ است که سال‌هاست از سوی پرستاران بگیری می‌شود، اما تاکنون به ثمر نرسیده و آنچه اخیراً تحت عنوان اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری در حال اجرایی‌شدن است مورد تأیید پرستاران نیست و حتی موجب شده نه فقط شکاف میان پزشکی و پرستار ترمیم نشود، بلکه شکاف میان پرستاران هم تشدید شود!به گونه‌ای که تاکنون فقط و فقط پرداختی کارانه با اجرای طرح تعرفه‌گذاری به پرستاران بخش دولتی پرداخت شده و از سوی دیگر شکاف میان پرداختی‌ها به گونه‌ای است که به جای جلب رضایت پرستاران با نارضایتی آنها همراه بوده‌است.

از سوی دیگر پرستاران کشورمان با فشار کاری شدیدی مواجهند. طبق استانداردهای جهانی باید به ازای هر هزار نفر، حداقل سه پرستار داشته باشیم، اما در حال حاضر تعداد پرستاران در کشور ما نصف این استاندارد حداقلی است. در چنین شرایطی بدیهی است کادر درمان و به طور خاص پرستاران که مسئولیت مراقبت‌های پزشکی را بر عهده دارند، دچار خستگی و فرسودگی شغلی شده و ممکن است نتوانند وظایف خود را به درستی انجام دهند. این خستگی و فرسودگی شغلی روی راندمان کاری پرستاران تأثیر منفی می‌گذارد و حتی می‌تواند موجب افزایش مرگ و میر بیماران شود! طبق آمارها چیزی حدود ۱۰۰ هزار پرستار بیکار هستند و به همین تعداد پرستار باید به نظام سلامت کشور تزریق شود تا بتوانیم به حداقل استانداردهای پرستاری دست پیدا کنیم. با وجود این و به رغم ورود و مطالبه رهبری به مسئله استخدام پرستاران فارغ التحصیل و اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، در طول یک سال گذشته نه فقط نیروی تازه‌ای استخدام نشده‌است، بلکه قرار دادهای چیزی نزدیک به ۲۵ هزار پرستار طرحی و پرستاران دارای قراردادهای موقت ۸۹ روز تمدید نشد تا نظام سلامت عملاً با این تعداد پرستار خداحافظی کند!

ماجرای به همین جا ختم نمی‌شود و پرستارانی که انگیزه‌هایشان را برای حضور در کشور خود و خدمت به هموطنانشان از دست بدهند، شاید ترجیح دهند به دیگر کشورها مهاجرت کنند. مهاجرت پرستاران اگر چه کمتر از مهاجرت پزشکان مورد توجه قرار گرفته‌است، اما یکی از موضوعات مهمی است که موجب شده در این حوزه با چالش مواجه شویم. از کشورهای حاشیه خلیج فارس تا کشورهای اروپایی همه و همه می‌توانند مقصد پرستاران ایرانی باشند؛ کشورهایی که برای ارتقای استاندارد، خدماتی ششان به دنبال جذب پرستاران بیشتر هستند و از سوی دیگر امکانات و درآمدهای بیشتری را برای این سفیدپوشان تضمین می‌کنند. از سوی دیگر در اغلب کشورهای دنیا فاصله در آمدی پزشکی و پرستار در نهایت دو تا سه برابر است نه دهها برابر! خروجی مطالعات بر زمین مانده پرستاران و به کارگرفته نشدن آنها در کشور خودشان می‌شود هزار و ۵۰۰ پرستاری که سالانه جلائی وطن می‌کنند و به کشورهای دیگر می‌روند تا آنچه را در کشور خودشان از آنها دریغ شده‌است، به دست بیاورند.

## نگریده

## فعالیت ۱۰۵۰ مرکز «خدمات سلامت در منزل» در کشور

موضوع گسترش ارائه خدمات پرستاری مراقبت در منزل **این روزها و با توجه به افزایش سن سالمندی جامعه ایرانی و افزایش بروز بیماری‌های غیر واگیر** که ممکن است مسبب **بروز برخی از کار افتادگی‌ها** باشد، اهمیت بسیار بالایی یافته‌است. خدماتی که **با چالش‌هایی نظیر عدم پوشش بیمه‌ای، ورود افراد متخلف و پرستارنما** به حوزه همسراه است و **با** **یاد هر چه سریع‌تر نسبت به رفع آنها اقدام کرد.**

رضا رستگار، رئیس انجمن صنفی مدیران مراکز خدمات پرستاری در منزل با اشاره به اینکه برخی مراکز و افراد پرستانمای بدون مجوز از طریق فضای مجازی وارد حیطه ارائه خدمات پرستاری در منزل شدند و مشکلاتی برای مردم ایجاد کردند، گفت: بالغ بر هزار و ۵۰ مرکز خدمات سلامت در منزل در ایران فعال است که خدمات درمانی و پرستاری را در منزل ارائه می‌کنند، اما موانع زیادی بر سر راه ارائه این خدمات وجود دارد.

وی افزود: بخشی از این موانع به موضوع مجوزها و ارائه خدمات و بخشی دیگر هم به مراکز و افراد پرستارنمای با می‌گردد که بدون مجوز و از طریق فضای مجازی وارد این حیطه شدند و مشکلاتی برای مردم ایجاد کردند. از مردم تقاضا داریم مجوز این افراد را از طریق انجمن یا معاونت درمان دانشگاه‌های علوم پزشکی بررسی کنند.

رئیس انجمن صنفی مدیران مراکز خدمات پرستاری در منزل توسعه مراکز خدمات پرستاری را به دلیل حرکت جامعه به سمت سالمندی ضروری خواند و اظهار کرد: ما به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر باید یک مرکز خدمات پرستاری ایجاد و مراکز را هم تخصصی‌تر کنیم.

رستگار بحث کمبود نیروی پرستار، مالیات و تعدد مجوزها را از جمله چالش‌ها و موانع ارائه خدمات پرستاری در منزل عنوان کرد و گفت: این بخش، جزو بخش‌های کار آفرینی حوزه سلامت است و در ایام کرونا هم کمک زیادی به خط مقدم مبارزه با کرونا کرد و نیازمند حمایت بیشتری از طرف مسئولان است.

## خبرگزیده

- مدیرعامل شرکت تدارکات پزشکی هلال احمر ایران از افزایش چهار برابری تولید دارو و تجهیزات مربوط به دالیز در هلال احمر خبر داد.**
- رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها گفت:** ساخت ۲۰۰ هزار خوابگاه متأهلی برای دانشجویان با کمک دستگاه‌های مرتبط مورد موافقت قرار گرفته‌است.
- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر لزوم صدور مجوز استخدام پرستاران از سوی سازمان اداری و استخدامی کشور تأکید کرد و گفت:** در حال حاضر ۴۰ هزار دانشجوی پرستاری در حال تربیت داریم و نگران کمبود پرستار نیستم.
- بازرس کل امور بهداشت و درمان سازمان بازرسی کل کشور گفت:** سازمان بازرسی کل کشور به کمبود تجهیزات پزشکی ورود کرده و در این خصوص هفته گذشته به صورت مکتوب از سازمان غذا و دارو خواسته برنامه پیشگیرانه تأمین تجهیزات پزشکی خود را برای ماه‌های آینده اعلام کند.
- مدیر کل نظارت، ارزشیابی و اعتبار بخشی سازمان نظام پزشکی از آغاز به کار سامانه تالوئی مطب و دفتر کار جهت ساماندهی و یکپارچه‌سازی تالو مطب پزشکان از اول آذر ماه امسال و به صورت سراسری خبر داد.**

## پنج‌شنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۱ | ۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۴

سرویس اجتماعی ۸۸۴۹۸۴۴۰

**جامعه‌شناسی طرفداران برد و باخت تیم ملی فوتبال ایران در گفت و گوی «جوان» با یک جامعه‌شناس**

# خوشحالی از باخت ایران ریزتر از آن است که مسئله جامعه‌شناسان باشد



گفت‌وگو

سجاد آذری

رمانا دهشیری اوان

دور زدن یا پرچم انگلیس یک مسئله ریز و حاشیه‌ای است که حتی تبدیل کردن آن به سؤال و باز تولید کردن آن و همچنین سؤال کردن درباره آن خطای فاحشی است. ایرانی‌ها اینگونه نیستند؛ با تمام تفاوت‌هایی که دارند، مجال است بغواهند از یک تیم خارجی حمایت کنند. «بعد از سوت پایان بازی بیرون پر می‌زیدند و فریضد ملی شعاع دهید» یا «بعد از باخت ایران یا پرچم انگلیس و آمریکا دور پیروزی بزنید و در خیابان‌های شادای کنید.» اینها و صدها مورد دیگر، دستوراتی است که در جریان بازی‌های جام

جهانی از سوی رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی معاند و بیگانه بر ضد تیم ملی ایران تبلیغ و تلاش شده به نحوی بین این تیم فوتبال و مردم ایران اختلاف ایجاد شود؛ شبیه‌ای که البته نظر سنجی اخیر اسپینا نشان می‌دهد به هدف خود نرسیده و فقط حدود ۵ درصد از افراد جامعه که پیگیر مسابقات فوتبال هستند، اعلام کرده‌اند از پیروزی تیم انگلستان در

برابر تیم ایران خوشحال شده‌اند. عددی که هر چند ناچیز است، ولی وقتی به سابقه ایرانیان که هویت ملی بخش مهمی از فضای عمومی زندگی آنهاست نگاه می‌کنیم، موضوع مهمی می‌نماید. برای بررسی زوایای مختلف این ماجرا به سراغ نادر صادقان جامعه‌شناس رفته‌ایم و در گفت وگویی «جوان» با این استاد دانشگاه به این موضوع پرداخته‌ایم. ■ ■ ■

**دلیل اینکه بخش ناچیزی از جامعه، یعنی حدود ۵درصد از آنها بی پیگیر مسابقات فوتبال هستند، گفته‌اند از پیروزی تیم فوتبال انگلستان در برابر تیم ملی ایران خوشحال شده‌اند، چیست؟ این موضوع می‌تواند چه تبعاتی برای جامعه داشته باشد؟**

برای پاسخ به این پرسش باید اول به این سؤال پاسخ داد که چرا در چند دهه گذشته شاهد چنین پدیده‌ای در کشور نبوده‌ایم. پدیده‌های اجتماعی دارند. در همه حوزه‌ها اقتصاد، فرهنگ، سیاست و اجتماع تأثیر می‌گذارد و تأثیر می‌پذیرند. ما اگر این روابط را در دست نیبیم و بخواهیم تک‌محوری فقط به یک سوی قضیه نگاه کنیم و فقط با یک رویکرد روانشناسی مردمی و توده‌ای به آن بپردازیم، بحث نارسا و ناقص می‌ماند. اگر بخواهیم پیش‌دوری و جانبداری کنیم یا گرایش‌های خاص چه نفی و چه سلبی و چه ایجابی و ایدئولوژیک داشته‌باشیم، کلاً ایعاد بحث چیزهای دیگری می‌شود. در جامعه‌ای که طی دو، سه ماه اخیر به شدت و عمیقاً دچار تشنج است، اینها روی همه پدیده‌ها از جمله در امر ورزش تأثیر می‌گذارد. هر چند فی‌نفسه نباید موضوع ورزش این چنین سیاسی شود، ولی واقعیت این است که پدیده‌های اجتماعی یا خوشایند یا باید و نباید افراد و جریانات سیاسی جلو نمی‌رود، سازوکارها و مکانیسم‌های درونی خودش را دارد. زمانی که جامعه با این تنش روبه‌رو است و ۷۰روز است انواع تنش‌ها را می‌بیند، این رفتار بسر روح و روان افراد تأثیر می‌گذارد، همه چیز از کاتال و جایگاه طبیعی و نرمال خودش خارج می‌شود. وقتی جامعه دچار یک دو قطبی توأم با تنش می‌شود، اساساً دیگر بحث‌های عقلانی، توجیهی و تحلیلی از جایگاه خودش خارج می‌شود و مخاطب خودش را از دست می‌دهد. جامعه نباید به این مرحله تنش

می‌رسید، ولی وقتی که به اینجا رسید کمترین کار رسانه این است که این مسئله را تشدید نکند، با اتهام‌زنی‌های طرفین کاری نندارم، ولی باید

دست کم با نادیدن خیلی از مسائل این موضوع را تشدید نکرد و این حالت حیدری نعمتی را در روند منفی بزرگ نکرد.

**در شرایطی که هویت ملی بخش**

**مهمی از سازوکار جامعه را تشکیل**

**می‌دهد، وقتی بخشی از جامعه**

**اینگونه خود را منفک از آن هویت**

**ملی می‌داند چه سرنوشتی برای**

**خود رقم می‌زند؟**

اساساً باور پذیری موضوع مطرح است. وقتی بخشی از جامعه اعتماد را از دست داده، یعنی سرمایه اجتماعی آن به شدت مخدوش شده‌است. او می‌خواهد بگوید من ملی هستم ما مورد تردید و تأمل است، یعنی الان قرانت، تفسیر، درک، برداشت و باور از همین مقوله ملی‌گرایی نیز حالت دیگر پیدا کرده‌است، مثلاً در مقطعل‌ها برویم، این تیم می‌توانست کار بوبند؟ چون واقعا دفاع ر ملی و میهنی ما به‌ازای بیرونی داشت و عناصر درونی آن تناقض‌نا داشت، الان این مسئله از زوایه دید این افراد اینگونه نیست.

باید دید آغاز گری سیاسی بحث کجاست؟ تیمی که راه می‌افتد با یک جریانات سیاسی شروع به مقابله می‌کنند، این پیامدارها هم دارد، به همین دلیل من می‌گویم که به دنبال علت‌ها و نه معلول‌ها برویم، این تیم می‌توانست کار خودش را بدون جنجال، رسانه‌ای کردن، تبلیغات و واویز کردن این وجه در حساب این و آن جریان سیاسی خاص پیش ببرد، ولسی وقتی چنین رفتاری هت می‌کند، طبیعتاً طرف مقابل هم موضع می‌گیرد؛ به نظر می‌رسد در آغاز این موضوع به شکل نامطلوبی مصادره به مطلوب شده و ادامه آن چنین واکنش‌هایی را ایجاد می‌کند و اصلاً **موضوع می‌تواند چه تبعاتی برای جامعه داشته باشد؟**

همه افرادی که باهم دیالوگ دارند باید در میانی با یکدیگر به اشتراک برسند، ببینیم آیا مسئله ملی بودن یا نبودن هست یا نه. به زعم بنده، مسئله ملی بودن نیست و همه خودشان را ملی می‌دانند.



# جامعه

روزنامه جوان | شماره ۶۶۳۸

سرویس اجتماعی ۸۸۴۹۸۴۴۰

**جامعه‌شناسی طرفداران برد و باخت تیم ملی فوتبال ایران در گفت و گوی «جوان» با یک جامعه‌شناس**

**جامعه‌شناسی طرفداران برد و باخت تیم ملی فوتبال ایران در گفت و گوی «جوان» با یک جامعه‌شناس**

# خوشحالی از باخت ایران ریزتر از آن است که مسئله جامعه‌شناسان باشد

فیفا هم خیلی صریح نظر خود را اعلام کرد، به نظر من می‌رسد یک مقداری آن جریان، برگ اول دومینوی بود که زده شد و مدیریت سنجدیه‌ای در آن نبود، چون پیامدهای آن را نیندیشیده بودند، قضیه را پروپولایز قطبی کرد و تشدید یک تنش را کلید زد.

**شاهد هستیم فوتبال که به عنوان یکی از عوامل وحدت جامعه محسوب می‌شود، اکنون در بخشی هر چند محدود وارد یک دو قطبی شده، در آینده در خصوص این موضوع چه اتفاقی خواهد افتاد؟**

در مورد آینده‌شناسی بحث، مستقیماً این یک متغیر تابع است؛ یعنی به میزانی که تنش اجتماعی کاهش پیدا کند، این مسئله نیز به کانال طبیعی و نرمال خودش برمی‌گردد و به میزانی که این اتفاق نیفتد، نمی‌توان خوش‌بین بود، یعنی اگر این در جریان و نرم خودش بیفتد روی همه حوزه‌ها از جمله ورزش تأثیر می‌گذارد و همه چیز از جمله فوتبال بر سر جای خودش می‌آید، در غیر این صورت خیلی بعید است بتواند به روند متعارف خودش باز گردد برای اینکه آن متغیر تأثیر گذار و آن عامل علی و اصلی خارج از حوزه ورزش و فوتبال است، ولی به شدت در همه حوزه‌ها از جمله اینجا تأثیر گذار است. به میزانی که آن محور اصلی روی فرایند متعادل بیاید به شدت روی همه حوزه‌های دیگر از جمله ورزش تأثیر می‌گذارد، در غیر این صورت بعید است.

**اینکه یک عده‌ای آمده‌اند برای پیروزی تیمی که تیم ملی کشور خودشان را برده ابراز خوشحالی می‌کنند، طبیعتاً رفتار و باور خودهایی را در جامعه ایجاد می‌کند، آیا این کار تبعات ضد ملی برای کشور ندارد؟**

این مسئله آنقدر ریز و حاشیه‌ای است و اینقدر غیر مهم است که حتی تبدیل کردن آن به سؤال و باز تولید کردن آن و همچنین سؤال کردن درباره آن خطای فاحشی است. ایرانی‌ها اینگونه نیستند با تمام تفاوت‌هایی که دارند مجال است بیک ایرانی بخواهد از یک تیم خارجی حمایت کند، ولی شدت عصبانیت در این حد است، سو به‌داشت و مصادره به مطلوب می‌کند و آن کسی که در شروع به کار بر تنور سیاسی ماجرا دمیده بیشتر مبنی و منشأ این تنش شده‌است. اگر این بحث سیاسی نمی‌شد، به زعم بنده این مقدار تنش نداشت وسط دعوا یک تیمی هدایت می‌شود تا سمت یک جریان سیاسی برود، یعنی بگرد تا بگردیم، خوب معلوم است که طرف مقابل هم بیکار نمی‌شیند.

اگر بخواهیم موضوع را کمی از نظر جریان‌شناسی نگاه کنیم، شاهد بودیم درباره تیم ملی ایران از چند سال گذشته خیلی از تلاش‌ها انجام شد که قدراسیون ایران محروم شود، تیم ملی ایران از جام جهانی حذف شود، باز یکنان در جام جهانی بازی نکنند و مواردی از این دست. اینها مسائل حاشیه‌ای است که اصلاً قابل جدی گرفتن نیست، ولی وقتی که تیم می‌رود مسئله چیز دیگری است…

**وقتی چنین فضایی ایجاد شده همین فضا نمی‌توانست موجب شود که هر رفتاری توسط این تیم سیاسی شود؟ فقط همین دیدار با رئیس جمهور موجب سیاسی شدن تیم بود؟**

آن فضا سازی در تعاملات رسمی نبوده‌است، حوزه رسانه‌های اجتماعی را که نمی‌شود کنترل کرد. هر کسی هر چیزی که می‌خواهد می‌نویسد و آن را نمی‌توان کاری کرد، ولی یک تیمی که رسمیت دارد و یک مجموعه دولتی که رسمیت دارد، عملاً کار پروپاگاندایی ورزشی انجام می‌دهند؛ قرار دادن این دو مسئله کنار هم قیاس مع‌الفرق است. در فضای رسانه هر کسی هر چیزی بخواهد می‌گوید کما اینکه تا آن حد ارتباطی را حذف می‌کنیم دعوا، تنش و تشنج می‌شود و این فقط مربوط به یک بخش جامعه نیست و دو سویه است.

آن زمانی که وقت داشتیم باید این کار انجام می‌شد، این مسائل باید باز می‌شد، این ملت همان ملتی است که در گذشته خیلی متعارف در حمایت از تیم ملی رفتار می‌کردند، اینکه چرا الان عده‌ای اینگونه شده‌اند را باید بررسی کنیم.

در مجموع فکر می‌کنم به جای اتهام‌زنی، انگ‌زنی و از پیش مقصر دانستن با یک دیالوگ عقلانی و دیالوگ اقتعایی و منطقی و با یک لحن غیر گزنده و باین ادبیات باید پیش برویم، غیر از این به معنای تشدید تنش است. باید چهار تا کار شناس بیابند و از همه طرف حرف‌ها شنیده شود، امروز که سوز حرف زدن دیگر جواب نمی‌دهد و الان در عصر ارتباطات چندسویی اتفاق افتاده‌است؛ تبت‌های تهییج گرانه یا تحریب‌گر ایانه نیز فقط بنزین ریختن روی آتش است.

## مسئولیت اجتماعی

حسین سروفاقت

۷۳۴

به آمارهای زیر به چشم خریدار نگاه کنید.

به چشم خریدار؟ بله… با بشدنانگ حواس جمع؛ درست مثل یک خریدار!

۶۸ درصد کاربران اینترنت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند که ۸۹ درصدشان بین ۱۸ تا ۲۹ سال سن دارند. فیسبوک با ۱/۷ میلیارد کاربر، گسترده‌ترین شبکه اجتماعی است.

اینستاگرام ۶۰۰ میلیون کاربر فعال دارد که ۴۵ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند. ۶۰ درصد کاربران ۱۸ تا ۳۴ ساله بوده، روزانه ۷۰ میلیون تصویر را به اشتراک می‌گذارند.

تویتر ۳۱۷ میلیون کاربر دارد که روزانه ۵۰۰ میلیون توییت را با هم تبادل می‌کنند.

یوتیوب یک میلیون کاربر فعال دارد و هر دقیقه ۷۲ ساعت فیلم در آن آپلود می‌شود.

دوستان! آنکه جوانان سرزمین خویش را به «جهاد تبیین» فرا می‌خواند، باخبر از عمق فاجعه‌ای است که دارد رخ می‌دهد. در «عصر حیرت» او را دریابیم!

## سردار سلیمانی:

### ۴۷ سازمان جاسوسی

### در آشوب اخیر نقش داشتند

دشمن در حوادث اخیر به دلیل عاجز ماندن در عرصه جنگ سخت، به استفاده از جنگ نرم و ترکیبی با اولویت نبرد رسانه‌ای و عملیات روانی به منظور فریب ملت بزرگ ایران روی آورد و ۴۷ سازمان جاسوسی در این زمینه فعال شدند.

سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفان در پانزدهمین اجلاس مجمع بسیجیان استان تهران اظهار کرد: دشمن در حوادث اخیر به دلیل عاجز ماندن در عرصه جنگ سخت، به استفاده از جنگ نرم و ترکیبی با اولویت نبرد رسانه‌ای و عملیات روانی به منظور فریب ملت بزرگ ایران روی آورد و ۴۷ سازمان جاسوسی در این زمینه فعال شدند. وی با بیان آنکه امریکایی‌ها در طول سال‌های گذشته به دنبال تسلط مجدد بر ایران بودند، گفت: یکی از تاریک‌ترین فرازهای دوره سلطنت پهلوی، کودتای ۲۸ مرداد و ورود امریکا به صحنه سیاست ایران و جایگزینی این کشور با انگلستان و تسلط بر منابع ایران بود که پیروزی انقلاب اسلامی این تسلط را از امریکایی‌ها گرفت. به همین دلیل آنان همواره سعی کردند مجدداً روی منابع کشور ایران مسلط شوند. رئیس سازمان بسیج مستضعفان با ذکر آنکه ملت بزرگ و مقتدر ایران همواره آگاهی و هوشیاری خود را در حوادث گوناگون نشان داده‌است، تصریح کرد: به رغم توطئه‌ها و فتنه‌های سنگین دشمن و تمرکز آنان روی استفاده از مشکلات و نارضایتی‌ها، اما ملت بزرگ ایران دشمن را ناکام گذاشت؛ به همین دلیل امریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی به شکست خود اعتراف کردند.

سردار سلیمانی در خصوص خویشتنداری در اغتشاشات اخیر بیان کرد: در حوادث اخیر، با صبر و خویشتنداری میان فریب‌خوردگان و افراد آموزش دیده دشمن تفکیک قابل شدیم. افتخار نظام جمهوری اسلامی مدیریت فتنه به گونه‌ای بود که دشمنن ما یوس نشود. وی در رابطه با قرار گرفتن ایران در مسیر رشد و پیشرفت گفت: مؤسسات مطالعات راهبردی در معنیر دنیا در رابطه با رشد اقتصادی ایران آمارهایی را منتشر کرده‌اند. اقتصاد رو به رشد و پیشرفت ایران برای دشمن بسیار دردآور و شکننده است. رئیس سازمان بسیج مستضعفان با بیان پیشرفت ایران در زمینه‌های مختلف از جمله در زمینه درمان سرطان با ژن درمانی و حوزه نانو عنوان کرد: امریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی در مؤسسات مطالعاتی خود میدان کرده‌اند که جمهوری اسلامی ایران تحقق ایران قوی را از مسیر علمی و فناوری برنامهریزی کرده‌است که به منظور مقابله با اقدامات ایران در حوزه علمی و فناوری باید این کشور را تحریم و درگیر اغتشاشات و نامثی کنیم.

سردار سلیمانی با بیان آنکه دستاورد مردم در انقلاب اسلامی، استقرار نظام اسلامی، برهم خوردن هندسه، جغرافیا و مفهوم قدرت در دنیا بود، گفت: امروز امریکایی‌ها حافظ توانایی اعمال قدرت هستند، چون با حرکت امام راحل و مردم با عظمت ما، مفهوم قدرت در دنیا تغییر پیدا کرد. وی در رابطه با اقدامات ایران در گام دوم انقلاب اسلامی گفت: نظام اسلامی جمهوری اسلامی ایران باید در گام دوم انقلاب اسلامی تکامل و فرایند رسیدن به تمدن نوین اسلامی را طی کند. رهبری در خصوص مراحل رسیدن به تمدن نوین اسلامی می‌فرماید که هم اکنون انقلاب و نظام اسلامی تحقق یافته و برای رسیدن به تمدن اسلامی، تحقق دولت و جامعه اسلامی نیز لازم است. رئیس سازمان بسیج مستضعفان افزود: تحقق جامعه اسلامی در تحقق دولت اسلامی است و به همین خاطر تلاش دشمن طی سال‌های اخیر این بوده که دولت اسلامی در جامعه ما محقق نشود. سردار سلیمانی در پایان گفت: در مسیر تحقق دولت اسلامی، لازم‌است تا ظرفیت‌های مردمی را نیز به میدان بیاوریم. تشکیل شوراهای محلی و مجامع استانی و شهرستانی یکی از مهم‌ترین قدم‌هایار تحقق این مسئله است.

## یادچهارم



■ **شهرود – تهران:** دخترم در پایه دبستان مدرسه ابتدایی انظر منطقه ۱۴ تهران مشغول به تحصیل است. این مدرسه از ابزار امکانات در سطح پایینی قرار دارد. اولیای دانش آموزان هم چندین بار به وضعیت این مدرسه اعتراض کرده‌اند. به طور مثال برای جشن تکلیف از مدیر مدرسه درخواست مراسم جشن تکلیف کردم که گفت هزینه آن زیاد است و مدرسه بودجه‌ای ندارد. مدیر به اولیای دانش آموزان گفته است که گروه‌های

آموزش و پرورش برای مدرسه اختصاص می‌دهد کفاف نمی‌کند. طوری شده‌است که وسایل گرمایشی مدرسه خراب شده و مدیر از دانش آموزان درخواست کرده‌است برای اینکه مریض نشوند، لباس گرم بپوشند. حتی مایع دستشویی سرویس بهداشتی مدرسه هم به عهده اولیای دانش آموزان است. چرا باید همه

مخارج از اولیا گرفته شود؟ مگر اسم این مدرسه دولتی نیست؟ پس دولت چه نقشی در این قبیل مدارس برعهده دارد؟! دولت و وزارت آموزش و پرورش هر از گاهی اعلام می‌کنند که نباید به صورت اجبار از دانش آموزان مبلغی دریافت شود، اما در عمل تمام مخارج مدرسه را اولیا پرداخت می‌کنند؛ فقط حقوق معلمان و مدیر مانده‌است که با همین روش ادامه دهند تأمین قسمتی از آن هم بر عهده اولیا می‌افتد! وزارت آموزش و پرورش به موضوع رسیدگی کند. اسم مدرسه را قید کرد که اگر احساس تکلیف کردند، لااقل به مدرسه سر برزنند.